

تعارض قانون و موضع فقهی برخی مراجع معاصر پیرامون هویت و حقوق طفل آزمایشگاهی

فاطمه فرامرزی رزینی^۱، سید مهدی صالحی^۲، سید مهدی قریشی^۳، امیر حمزه سالارزائی^۴، نازآفرین قاسم‌زاده^{*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۳

تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۲/۹

مقاله‌ی پژوهشی

چکیده

باروری و فرزندآوری به عنوان یکی از نیازهای جوهری خلقت، با توسعه جوامع انسانی دائماً در فراز و نشیب بوده است. پیشرفت‌های دانش پزشکی در روش‌های نوین باروری، دگرگونی‌هایی را در آن پدیدار نمود. بارداری با دخالت شخص ثالث که بحثی بسیار جدی، پر تلاطم و چالش برانگیز به شمار می‌رود، از جمله این دگرگونی‌ها است. با عنایت به روند سریع استفاده از این تکنولوژی در کشور، مبهم ماندن جوانب و پیامدهای مترتب بر آن به ویژه برای کودکان حاصل از این روش‌ها، تنقیح مناسبی را می‌طلبد. بدین منظور، پژوهش حاضر با هدف بررسی هویت و حقوق کودکان حاصل از روش‌های کمک باروری با بهره‌گیری از استفتائات فقهای عظام معاصر در گستره قانون، قابل واکاوی است. در این مطالعه ابتدا با استفاده از کلید واژه‌هایی مانند نسب، ولایت، اهدای جنین و ناباروری در منابع معتبر فقهی و حقوقی و سایت‌های معتبر، مطالب مرتبط استخراج شد و سپس در بخش میدانی با روش کیفی، نظرات مکتوب برخی مراجع عظام تقلید معاصر شیعه در خصوص هویت کودکان آزمایشگاهی با دخالت شخص سوم استفتاء گردید. نتایج این پژوهش ترکیبی در دو بخش نظری و میدانی نمایان ساخت که دیدگاه فقهای عظام معاصر با دیدگاه مقنن در قانون اهدای جنین تناسب ندارد، زیرا فقها همچنان بر نظر فقه سنتی ابرام دارند و صاحبان نطفه و تخمک را به عنوان والدین طفل قلمداد می‌کنند که این امر با تکالیفی که در متون قانونی برای زوجین اهدا گیرنده گنجانده شده است، همسو نمی‌باشد. به این بیان که فقها طفل حاصل از اهدای جنین را به اهدا گیرندگان ملحق نمی‌دانند، در حالی که از فحوای خطاب مقنن به ویژه با توجه به وظایفی که قانون اهدای جنین به زوجین نابارور بر دوش آن‌ها نهاده، پذیرش ضمنی اهدا گیرندگان به عنوان والدین طفل استنباط می‌شود. این امر طفل را دچار بحران هویت نموده و انگهی، در مواردی او را از حقوق شهروندی محروم می‌سازد. در نتیجه با عنایت به اینکه قوانین جاری و ساری کشور با نظرات فقهای عظام معاصر تعارض دارد، در راستای مرتفع نمودن آن و جلوگیری از تشتت آراء، حکم به پذیرش اهدا گیرندگان به عنوان والدین حکمی طفل، راه‌گشا خواهد بود.

واژگان کلیدی: لقاح آزمایشگاهی، اهدای جنین، نسب، والدین حکمی

^۱ دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

^۲ استادیار فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

^۳ دانشیار فقه و مبانای حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

^۴ دانشجوی دکتری اخلاق پزشکی، مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

* نویسنده‌ی مسؤول: تهران، بلوار کشاورز، خیابان ۱۶ آذر، پلاک ۲۳، طبقه سوم، تلفن: ۶۶۴۱۹۶۶۱

مقدمه

تولید مثل و زاد و ولد برای بقای نسل بشر از نیازهای جوهری خلقت به شمار می‌رود. تمایل به بقای نسل، یک نیاز غیر جسمانی است، ولی بدون برخورداری از سلامت جسمانی دست یافتنی نیست (۱). زیرا تحقق چنین امری وابسته به روندی است که طی آن اسپرم مرد و تخمک زن با داشتن قابلیت باروری در فرآیند لقاح، عضو جدیدی به نام تخم ایجاد می‌کنند (۲) و در صورت عدم سلامت هر یک از زن و مرد در این فرآیند، ناباروری نمود پیدا می‌کند. در واقع ناباروری عبارت است از عدم ایجاد بارداری بعد از یک سال رابطه جنسی بدون استفاده از روش‌های پیشگیری (۳) و وقوع ناباروری در یکی از زوجین یا هر دو، خانواده را از حق و نعمت وجود فرزند محروم می‌کند (۴). کافی نبودن آستانه تحمل روانی افراد نابارور و عدم رغبت برای پذیرش کودکان بی سرپرست از سوی زوجین نابارور، دانش پزشکی را به چاره جویی واداشت که فراهم آوردن زمینه باروری با کمک تکنیک‌های نوین را باید ماحصل آن برشمرد. در واقع یکی از موفقیت‌های اواخر قرن بیستم، همین پیشرفت در زمینه تکنیک‌های کمک باروری بود (۵).

هنگامی که گامت‌ها و توانایی حمل یک بارداری به علت بیماری یا شرایط خاص از دست می‌رود، دیگر انتخاب‌های تولید مثلی مدنظر قرار می‌گیرند (۶). در این موارد، به وسیله روش‌های کمکی تولید مثل در علم پزشکی زمینه باروری تخمک زن با استفاده از اسپرم مرد فراهم شده تا در نتیجه امتزاج اسپرم و تخمک، یک جنین تشکیل شود (۷). شاخص‌ترین این روش‌ها، لقاح مصنوعی است که به پیوند بین اسپرم و تخمک، از طریق آلات پزشکی و یا هر وسیله دیگر، غیر از مقاربت و نزدیکی جنسی به منظور باروری و تولید نسل در محیط آزمایشگاه اطلاق می‌شود (۸). البته فرآیند کمک باروری ممکن است با استفاده از اسپرم اهدائی،

تخمک اهدائی، جنین اهدائی، رحم جایگزین (۹) یا ترکیبی از آن‌ها تحقق یابد. کودکی که به طرق فوق متولد می‌شود را کودک آزمایشگاهی می‌نامند؛ یعنی طفلی که بخشی از مراحل تکامل جنینی خود را هر چند کوتاه در محیط آزمایشگاه سپری نموده و از راه تلقیح مصنوعی متولد می‌شود که از لحاظ حقوقی احکام خاصی بر او صدق می‌کند (۱۰). این رخداد عظیم در باروری، از دیدگاه‌های مختلف فقهی و حقوقی قابل بررسی است (۱۱). توجه به جایگاه حقوقی هویت طفل حاصل از روش‌های فوق، به ویژه در مواقعی که باروری از طریق اهداء و با دخالت شخص ثالث انجام می‌گیرد، به دلیل پیامدهای مترتب بر آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مقنن در قوانین موجود به صورت احصاء، تکالیفی از قبیل نفقه، احترام، نگهداری و تربیت را بر دوش اهدا گیرندگان نهاده است و با عدم تصریح مقوله‌هایی از قبیل ولایت، نسب، ارث، محرمیت، نکاح و مسکوت گذاشتن آن‌ها، آتیه کودک متولد شده به روش فوق را با چالش جدی خصوصاً در موارد طرح دعوی طرفین (اعم از گیرندگان، اهدا کنندگان و کودک حاصله) مواجه نموده است. با عنایت به اینکه قاضی مکلف است حکم هر دعوا را منطبق با قوانین مدونه یا منابع اسلامی یا فتاوی معتبر صادر نماید و به بهانه سکوت قوانین نمی‌تواند از صدور حکم امتناع ورزد (مستفاد از اصل ۱۶۷ قانون اساسی)، لذا در موارد مسکوت باید برای حل مسئله به نظرات فقها رجوع نماید. نوشتار حاضر، در راستای نیل به این مهم، در پژوهشی بنیادی به شیوه کتابخانه‌ای و مطالعه کیفی از طریق استفتاء از مراجع تقلید و تحلیل محتوا، در اثبات‌پذیری فرضیه پذیرش اهدا گیرندگان جنین آزمایشگاهی با عنوان والدین حکمی آنان مترصد است. لذا در این پژوهش پس از تبیین چارچوب مفهومی به بررسی فتاوی معاصرین در زمینه هویت طفل آزمایشگاهی و انطباق آن‌ها با قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور می‌پردازیم.

روش کار

این پژوهش، مطالعه ترکیبی است که شامل دو بخش نظری و میدانی می‌باشد. در بخش نظری ابتدا با به کارگیری کلیدواژه‌های ناباروری، روش‌های کمک باروری نوین، IVF، نسب، ولایت و قانون اهدای جنین، مطالب مرتبط با هویت کودکان آزمایشگاهی به طور عام و دخالت شخص ثالث به طور خاص، از سایت‌های Noormags, Magiran و Google Scholar استخراج گردیدند و سپس مطالب مربوط به هویت کودکان با استفاده از کتب حقوقی و فقهی و نرم افزار نور و به شیوه تحلیل محتوایی تکمیل شدند. در بخش میدانی طی یک مطالعه کیفی، نظرات مکتوب مراجع عظام تقلید معاصر شیعه در خصوص هویت کودکان آزمایشگاهی با دخالت شخص سوم استفتاء گردید. در نهایت با استفاده از اطلاعات اخذ شده به تبیین و انطباق دیدگاه‌های مراجع عظام با قوانین قانونگذار جمهوری اسلامی ایران در باب هویت کودکان آزمایشگاهی پرداخته شد.

تبیین مفاهیم

برای بررسی دیدگاه‌های فقهای معاصر و جایگاه حقوقی هویت طفل آزمایشگاهی در قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور، ابتدا به تبیین اصطلاحاتی می‌پردازیم که برای بررسی مسئله ناگزیر از به کارگیری آن‌ها هستیم.

نسب

نسب به دلیل آثار عدیده‌ای چون حضانت، ولایت و محرمیت که بر آن مترتب است، از جمله شاخص‌ترین مسائل در حوزه احکام وضعی، به ویژه در احوال شخصیه و حقوق خانواده، به شمار می‌رود. نسب در روایات دارای احکام وسیعی است، ولی چون حقیقت شرعی یا حقوقی ندارد (۱۲) تعریفی از آن ارائه نشده و در قانون مدنی نیز تعریف خاصی ندارد. بنابراین برای دستیابی به تعریف جامعی از ماهیت نسب باید به مفهوم لغوی و عرفی نسب رجوع شود (۱۰). نسب در

لغت عبارت از قرابت، اصل و خویشاوندی است (۱۳، ۱۴) و در زبان فرانسه کلمه «فیلیاسیون» به معنای فرزندی، نسب و نسل آمده است (۱۵) و در اصطلاح، رابطه خونی و حقوقی است که پدر و مادر را به فرزندان آنان مربوط می‌کند؛ به این اعتبار، نسب به معنی رابطه پدر و فرزندی یا مادر و فرزندی است (۱۶). در مکتب غنی اسلام مسئله حقوق کودکان، به ویژه حقوق متقابل کودکان و والدین، جایگاه پر اهمیتی به خود اختصاص می‌دهد که حق داشتن پدر و مادر شایسته و حق نسب از جمله آن‌هاست (۱۷). بنابراین نسب هر کسی مستقیماً به دو نفر می‌رسد که یکی مادر و دیگری پدر می‌باشد (۱۸).

ولایت

ولایت، به معنای عام، سلطه‌ای است که شخص بر مال و جان دیگری پیدا می‌کند و شامل ولایت پدر و جد پدری و پیامبر و حاکم نیز می‌شود. ولی، در روابط خانوادگی، عبارت از اقتداری است که قانونگذار به منظور اداره امور مالی و گاه تربیت کودک به پدر و جد پدری اعطاء کرده است (۱۶). در فقه امامیه، ولایت بر طفل با پدر و جد پدری است (۱۹). ولایت از دیدگاه مقنن نیز اهمیتی خاص داشته است به طوری که باب سوم از کتاب هشتم قانون مدنی به آن اختصاص داده شده و ماده ۱۱۸۱ این قانون مقرر می‌دارد: «هر یک از پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود ولایت دارند» و ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی نیز اشعار می‌دارد: «طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می‌باشد و همچنین است طفل غیر رشید یا مجنون در صورتی که عدم رشد یا جنون او متصل به صغر باشد». بنابراین همین که طفل به دنیا آید، خود به خود تحت ولایت پدر قرار می‌گیرد و هیچ مقامی حق تغییر این وضع را ندارد. پدر و جد پدری به جهت اینکه سمت ولایت از طرف قانون به آن‌ها اعطا شده است را ولی قهری

¹ Filiation

لازمه این حق، تکلیف والدین بر نگهداری و تربیت کردن می‌باشد (۲۵).

اهداء جنین

امروزه استفاده از روش‌های لقاح مصنوعی در موارد باروری خارج از رحم و تشکیل جنین و انتقال آن به رحم به خوبی جایگاه خود را پیدا کرده است (۲۶). در روش اهداء جنین، محصول لقاح آزمایشگاهی که جنین زوجین قانونی است به رحم زوجه زوج قانونی دیگری انتقال می‌یابد. به بیان دیگر، جنین حاصل از تلقیح خارج رحمی (آزمایشگاهی) اسپرم و تخمک یک زن و شوهر به رحم زنی غیر از زن صاحب تخمک انتقال می‌یابد. با توجه به بدیع بودن تکنیک-های کمک باروری، تشکیل و انتقال جنین آزمایشگاهی در فقه جدید مطرح شده و از مسائل مستحدثه به شمار می‌رود، به ویژه مسئله الحاق طفل به زن و شوهری که خواهان طفل هستند در حالی که جنین از اسپرم و تخمک آنان نیست، کاملاً حل نشده و نیاز به اجتهاد جدید دارد (۲۷). در حقوق ایران در خصوص اهداء جنین، آثار و احکام کودکان حاصل از آن، قانون نحوه اهدای جنین به زوجین ناباروری مصوب ۱۳۸۲/۸/۰۵^۱ و آیین‌نامه اجرایی^۲ آن، به عنوان دو سند مورد استناد حاکم است. در این زمینه، قانون فوق ضمن اختصار، موارد عدیدهای را مسکوت گذاشته است. در ماده ۳ قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور آمده است: «وظایف و تکالیف زوجین اهداء گیرنده جنین و طفل متولد شده از لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام نظیر وظایف و تکالیف اولاد و پدر و مادر است» (۲۸). مقنن ایرانی به رغم وقوف به این امر که دریافت‌کنندگان جنین، او را به عنوان فرزند قبول

گویند (۱۸)؛ به تعبیر دیگر، این ولایت اختیاری نیست بلکه اجباری است (۲۰). ولایت قهری یک نهاد حقوقی است که از طبیعت بشر و مقتضیات زندگی خانوادگی و اجتماعی سرچشمه می‌گیرد و از این لحاظ در همه کشورها پذیرفته شده است (۲۰) ضمن اینکه ولایت پدر در وضع عادی، شاخه حضانت را نیز به همراه دارد. یعنی، پدر کودک هم ولی او در امور مالی است و هم در کنار مادر، حضانت را به عهده دارد (۱۶).

حضانت

نگاهداری و تربیت طفل را در اصطلاح حقوق اسلام حضانت گویند (۱۸) که در لغت به معنی پروردن و در اصطلاح عبارت است از نگهداری مادی و معنوی طفل توسط کسانی که قانون مقرر داشته است. حضانت مخصوص ابویین و اقرباء طفل بوده که شامل حفظ جسم و تربیت اخلاقی و معنوی مناسب شوون او می‌باشد (۲۱). به بیان دیگر، اقتداری که قانون به منظور نگاهداری و تربیت اطفال به پدر و مادر آنان اعطا کرده است (۱۶) صاحب جواهر حضانت را به ولایت و سلطنت بر تربیت طفل و متعلقات آن، از قبیل نگهداری کودک، گذاردن او در بستر و غیره تعریف نموده است (۱۹). سایر فقها (۲۳، ۲۲) نیز تعاریف مشابهی ارائه نموده‌اند.

نگاهداری طفل عبارت از به کار بردن وسائل لازم برای بقاء مانند دادن خوراک، بهداشت جسمی و روحی طفل مانند پوشانیدن لباس پاکیزه، گذاردن در رختخواب، پوشانیدن روی او و آنچه سن طفل اقتضاء آن را دارد، می‌باشد (۱۸). در این راستا، ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی اشعار می‌دارد: «نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابویین است» (۲۴). منطوق ماده به صراحت، ابویین را مسؤول نگهداری طفل می‌داند در نتیجه آن‌ها نمی‌توانند از زیر این بار شانه خالی کنند و باید اختیار خود را به مصلحت طفل به کار ببرند (۱۶). بنابراین حق کودک بر "تربیت و نگهداری شدن"، حقی ماندگار است که

^۱ قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور در شماره ۱۷۰۳۳ روزنامه رسمی کشور مورخ ۱۳۸۲/۰۵/۲۹ قابل دسترسی است.

^۲ آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور به شماره ۵۴۰۱۶۰ ت ۳۱۱۹۷ مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۴ در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی قابل دسترسی می‌باشد.

یکی از روش‌های نوین درمان ناباروری، اهدای جنین به زوجین نابارور است. یکی از طرق ایجاد جنین، لقاح ناهمگون یا تلقیح بین دو بیگانه در مرحله باروری و پرورش نطفه است که علاوه بر زن یا شوهر، پای ثالثی نیز در میان است. صرف‌نظر از حرمت عمل تلقیح اسپرم و تخمک مرد و زن بیگانه، برای آن صورت‌های زیر متصور است:

- کودک متولد شده از اسپرم مرد بیگانه و تخمک زن بیگانه تلقیح یافته در رحم زن شوهردار
 - کودک متولد شده از اسپرم مرد بیگانه و تخمک زن بیگانه تلقیح یافته در محیط آزمایشگاه و منتقل شده در رحم صاحب تخمک یا در رحم غیر صاحب تخمک با توجه به فروض بالا:
- سؤالاتی مطرح شد و برای اخذ استفتاء مکتوب به مراجع عظام ارسال شد که در جدول شماره ۱ درج شده‌اند.

می‌کنند، به صراحت از تحقق رابطه نسبی میان طفل و دریافت‌کنندگان استنکاف ورزیده و صرفاً رابطه میان طفل مولود و دریافت‌کنندگان آن را از نظر برخی آثار نسب مانند حضانت و نفقه، همانند وظایف و تکالیف اولاد و پدر و مادر دانسته است. اما مقوله‌های دیگری از قبیل نسب، ولایت، محرمیت و نکاح مغفول مانده است. با این وصف می‌توان گفت در نظام حقوقی ایران، وضعیت حقوقی کودک حاصل از روش اهدای جنین و هویت و نسب او چندان روشن نیست (۲۹) که وجود این خلأ قانونی، چالش‌های بسیاری را در پی خواهد داشت.

نظرات فقهای عظام معاصر و چالش‌های قانونی آن

جهت آگاهی از دیدگاه‌های مراجع عظام تقلید معاصر، سؤال‌هایی در باب هویت جنین آزمایشگاهی طرح شد که متن استفتای انجام شده به شرح زیر است:

جدول شماره ۱- استفتانات اخذ شده از فقهای عظام معاصر شیعه

| سؤال | آیت‌الله مکارم شیرازی | آیت‌الله علوی گرگانی | آیت‌الله نوری همدانی | آیت‌الله شبیری زنجانی | دفتر آیت‌الله فاضل لنکرانی | آیت‌الله موسوی اردبیلی | آیت‌الله صافی گلپایگانی | آیت‌الله روحانی |
|---|--|--|----------------------|--|---|---|---|---|
| در صورتی که صاحب اسپرم، زوج باشد و صاحب تخمک، زن بیگانه و روش لقاح نیز بدین صورت باشد که تخمک بیگانه را در رحم زوجه تزریق، سپس زوج با زوجه مقاربت نماید و محل رشد جنین رحم زوجه باشد. در صورت فوق، کدام یک مادر طفل محسوب می‌شود و چرا؟ | صاحبان نطفه پدر و مادر و صاحب رحم در حکم مادر او است و تمام کسانی که به واسطه رضاع محرم می‌شوند به این فرزند نیز محرمند. | صاحبان اسپرم و تخمک، پدر و مادر شرعی او هستند و صاحب رحم اگر صاحب تخمک نباشد در حکم مادر رضاعی او خواهد بود. | روش مذکور جایز نیست. | صاحبان اسپرم و تخمک، پدر و مادر هستند. در فرض تحقق رضاع شرعی از صاحب رحم، نسبت به محرمیت با او احتیاط شود. | اصل عمل حرام در صورت تحقق صاحب تخمک، مادر فرزند است اما نسبتش با صاحب رحم، فرزند عرفی او است. | صاحب اسپرم، «پدر» و صاحب تخمک، «مادر» و صاحب رحم نیز «مادر» است. در بعضی موارد، «فرزند دو مادری» می‌باشد، به دو دلیل: الف. تخمک ب. آیه ۲ سوره مجادله «ان أماتهم الألی و لدنهم». | در تمام فروض مذکور که تخمک و اسپرم از اجنبی باشد جنین متولد ملحق به صاحبان اسپرم و تخمک بوده و ارتباطی به صاحب رحم نخواهد داشت. | زنی که او را زاییده، مادر است؛ آیه قرآن می‌فرماید «ان امهاتکم الا اللاتی ولدنهم». |

| | | | | | | | | |
|---|--|--|----------------------|---|--|---|--|---|
| از علت نداشتن نطفه مرد، از نطفه ناشناخته در بانک اسپرم (نطفه اجنبی) برای بارور کردن همسر مرد استفاده می‌شود؛ در چه صورت می‌توان نسب حکمی قائل شد؟ | صاحبان نطفه، پدر و مادر و صاحب رحم در حکم مادر او است و تمام کسانی که به واسطه رضاع، محرم می‌شوند به این فرزند نیز محرمند. | اصل چنین عملی حرام و در صورت تحقق پدر شرعی او نامشخص بوده و مجهول است. | روش مذکور جایز نیست. | صرف‌نظر از حکم تکلیفی آن، صاحب اسپرم و تخمک، پدر و مادر این فرزند هستند، البته با شوهر مادرش هم محرم است. | این کار حرام است، لیکن طفل، فرزند همان صاحبان اسپرم و تخمک است. اگر از راه علمی یقین به شناخت مرد صاحب اسپرم پیدا نشود پدرش ناشناخته می‌ماند. | صاحب اسپرم، «پدر» و صاحب تخمک، «مادر» و صاحب رحم نیز «مادر» است. در بعضی موارد، فرزند «دو مادری» می‌باشد، به دو دلیل: الف. تخمک ب. آیه ۲ سوره مجادله «ان آماتهم الی الی وُلدَتهم» | جنین متولد ملحق به صاحبان اسپرم و تخمک بوده و ارتباطی به صاحب رحم نخواهد داشت. | بچه به صاحب نطفه ملحق است. |
| کودکی که به طرق فوق (با اسپرم ناشناخته در بانک اسپرم) متولد شده، چگونه می‌تواند صاحب اسپرم خود را مطالبه کند؟ خصوصاً که برای درمان برخی بیماری‌ها نیاز به شناخت صاحب اسپرم و منشاء ژنتیکی وجود دارد. | صاحبان نطفه، پدر و مادر و صاحب رحم در حکم مادر او است و تمام کسانی که به واسطه رضاع محرم می‌شوند به این فرزند نیز محرمند. | اگر بتوان با آزمایشات دی‌ان‌ای به اطمینان کامل رسید به همان عمل می‌شود و الا پدر او مجهول است. | روش مذکور جایز نیست. | معلوم نمودن صاحب اسپرم فی نفسه اشکال شرعی ندارد. | این کار حرام است. طفل، فرزند صاحبان اسپرم و تخمک است اگر از راه علمی یقین به شناخت مرد صاحب اسپرم پیدا نشود پدرش ناشناخته می‌ماند و کودک نمی‌تواند صاحب اسپرم پدر خود را مطالبه کند، چون معلوم نیست که صاحب اسپرم چه کسی بوده است. | صاحب اسپرم، «پدر» و صاحب تخمک، «مادر» و صاحب رحم نیز «مادر» است. در بعضی موارد، فرزند «دو مادری» می‌باشد، به دو دلیل: الف. تخمک ب. آیه ۲ سوره مجادله «ان آماتهم الی الی وُلدَتهم» | در تمام فروض مذکور که تخمک و اسپرم از اجنبی باشد جنین متولد ملحق به صاحبان اسپرم و تخمک بوده و ارتباطی به صاحب رحم نخواهد داشت. | در این رابطه به مسائل قضایی مراجعه شود. |
| اگر لقاح مصنوعی اسپرم بیگانه و تخمک زن اجنبی در لوله آزمایش (I.V.F) و رحم محل رشد جنین در رحم زن غیر از صاحب تخمک باشد، نسب وی چگونه خواهد بود؟ | صاحبان نطفه، پدر و مادر و صاحب رحم در حکم مادر او است و تمام کسانی که به واسطه رضاع محرم می‌شوند به این فرزند نیز محرمند. | از توضیحات بالا جواب واضح شد. | روش مذکور جایز نیست. | در فرض تحقق رضاع شرعی از صاحب رحم، نسبت به محرمیت با او احتیاط شود. | نسبت فرزند به مرد صاحب اسپرم و زن صاحب تخمک است و از آن‌ها ارث می‌برد و نسبتش با زن صاحب رحم، نسبت فرزند عرفی داشته و محرم است. | صاحب اسپرم، «پدر» و صاحب تخمک، «مادر» و صاحب رحم نیز «مادر» است. در بعضی موارد، فرزند «دو مادری» می‌باشد، به دو دلیل: الف. تخمک ب. آیه ۲ سوره مجادله «ان آماتهم الی الی وُلدَتهم» | در تمام فروض مذکور که تخمک و اسپرم از اجنبی باشد، جنین متولد ملحق به صاحبان اسپرم و تخمک بوده و ارتباطی به صاحب رحم نخواهد داشت. | بچه به صاحب نطفه و زنی که او را زاییده ملحق می‌شود. |

| | | | | | | | | |
|--|---|---|----------------------|---|---|---------------------|--|--|
| اگر در اهدای جنین از نطفه فرد ثالث (نطفه مردی که از محارم زن می‌باشد) استفاده شده باشد، بارور کردن زن با این جنین به روش تلقیح مصنوعی، چه حکمی دارد؟ | صاحبان نطفه، پدر و مادر و صاحب رحم در حکم مادر او است و تمام کسانی که به واسطه رضاع محرم می‌شوند به این فرزند نیز محرمند. | استفاده از چنین روشی به نظر ما جایز نمی‌باشد. | روش مذکور جایز نیست. | حرام است اما صاحبان اسپرم و تخمک، پدر و مادر هستند. | استفاده از نطفه فرد ثالث برای بارور کردن زن، چه صاحب نطفه از محارم زن باشد یا بیگانه، حرام است در صورت انجام، کودک فرزند صاحب اسپرم و تخمک می‌باشد. | خالی از اشکال نیست. | در تمام فروض مذکور که تخمک و اسپرم از اجنبی باشد، جنین متولد ملحق به صاحبان اسپرم و تخمک بوده و ارتباطی به صاحب رحم نمی‌کند، اشتباه نخواهد داشت. | حسب ادله، جایز است و آنچه بعضی خیال کرده‌اند که روایات دلالت بر حرمت ادخال منی در رحم اجنبی می‌کند، اشتباه است. قرائنی در روایات هست که دلالت دارد بر این که حرام آن است که این عمل به واسطه جماع باشد؛ ولی به مقتضای اصله الاحتیاط، در فروج انجام داده نشود و اگر این احتیاط لازم نباشد، قطعاً حرام نیست. |
|--|---|---|----------------------|---|---|---------------------|--|--|

و نگاهداری (حضانة) دارد احساس گم‌گشتگی بر وی مستولی می‌شود.

تردید دیگری که ممکن است به ذهن برسد درباره لزوم قصاص در قتل است. از قواعد مسلم نزد امامیه آن است که در صورت قتل فرزند توسط پدر، وی قصاص نمی‌شود. در این مورد بین فقهای امامیه اجماع وجود دارد و بر همین مبنا، «انتفاء ابوت» را در قصاص معتبر دانسته‌اند (۳۰). صاحب جواهر در این زمینه می‌فرماید: شرط سوم از شرایط قصاص آن است که قاتل، پدر مقتول نباشد، بنابراین اگر پدر فرزندش را به قتل برساند، قصاص نمی‌شود (۱۹). با این پیشینه فقهی، ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی کتاب سوم قصاص اشعار می‌دارد: «قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نباشد و مجنی علیه، عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد» (۳۱). منطوق ماده فوق، قصاص

برآیند استفتائات اخذ شده از فقهای عظام معاصر حاکی از آن است که اغلب بر مبنای فقه سنتی حکم به منتسب دانستن کودک حاصل به طرق فوق به صاحبان اسپرم و تخمک نموده‌اند و آن‌ها را والدین طفل می‌شناسند. این در حالی است که این نظرات با مفهوم ماده ۳ قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور همخوانی ندارد زیرا ماده فوق، تکالیف و مسؤولیت‌هایی نظیر تکالیفی که اولاد بر عهده پدر و مادر دارد، بر دوش آن‌ها نهاده است.

با عنایت به اینکه نگاهداری و تربیت طفل برعهده پدر و مادر است (۱۸)، نخستین حق اولاد این است که والدین حضانتش را بپذیرند. این در حالی است که اگر بر مبنای فتاوی فقهای معاصر در باب کودک حاصل از جنین اهدایی، صاحبان نطفه را به عنوان والدین او بپذیریم اهدا گیرندگان موظف به حضانت کودک نیستند و کودک که نیاز به حمایت

را در جایی که پدر، قاتل فرزند باشد قابل اجرا نمی‌داند. آیا این ماده را می‌توان به موردی که زوج اهدا گیرنده مرتکب قتل فرزند حاصل از اهداء شده نیز تسری داد؟. اگر چه در قوانین جزایی، دادرس باید در صورت عدم تصریح مقنن تفسیر به نفع متهم نماید (۳۲) اما پرسشی که در این زمینه جلوه‌نمایی می‌کند این است که در صورت مطرح شدن موضوع ذکر شده، رویه اتخاذ شده از سوی محاکم قضایی چیست؟. اگر قاضی وفق اصل ۱۶۷ قانون اساسی که وی را مکلف به رجوع به منابع اسلامی یا فتاوی معتبر نموده است عمل کند، طبق ادله و قرائن فقه سنتی، اهدا گیرنده طفل، پدر وی نیست بنابراین دادرس باید مطابق فتاوی موجود حکم قصاص وی را صادر نماید.

نکته قابل مذاقه دیگر که شاید بتوان آن را از بارزترین موارد مشکلات روش‌های اهدایی پس از اعلام حلیت و مشروعیت آن برشمرد، در هنگام گرفتن شناسنامه برای نوزاد متجلی می‌شود که پاسخ شایسته‌ای می‌طلبد. بدین نحو که نام چه کسی (پدر بیولوژیک یا شوهر مادر یا ناشناخته پدر) به عنوان نام پدر در شناسنامه ذکر گردد (۳۳). عموماً فقهای عظام در حالت مجهول بودن صاحب اسپرم، طفل را ناشناخته پدر می‌دانند در حالی که در شناسنامه طفل، نام اهدا گیرنده به عنوان پدر وی قید می‌شود. با این وصف باید گفت که اظهار خلاف واقع شده است. آیا صدور شناسنامه برای طفل متولد از اهداء با نام و نام خانوادگی زوج را نمی‌توان کنایه از این دانست که می‌توان او را به عنوان پدر اولی دانست؟.

شایان توجه است یکی از نقص‌های مهم قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور، سکوت درباره امکان یا حرمت نکاح طفل با زوجین اهدا گیرنده است. به عنوان مثال، آیا اگر کودک مذکور دختر باشد، شوهر آن زن می‌تواند با او ازدواج کند؟. اگر چه اخلاق عمومی آن را نمی‌پذیرد با این حال از مفاد قانون فوق نمی‌توان دلیلی بر وجود این حرمت استنباط کرد. موضوع دیگر آن است که اگر طفل مولود،

دختر باشد بر طبق ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی که نکاح دختر باکره اگر چه به سن بلوغ رسیده باشد را موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او می‌داند، چنانچه اهدا گیرنده، وی را به ازدواج فردی درآورد آیا این نکاح صحیح می‌باشد، زیرا فقها وی را به عنوان پدر دختر نمی‌شناسند. اگر چه بر طبق ماده ۱۰۴۴ قانون مدنی در صورت عدم حضور پدر یا جد پدری در محل و در مواردی که استیذان از آن‌ها عادتاً غیر ممکن بوده و دختر نیز احتیاج به ازدواج داشته باشد وی می‌تواند اقدام به ازدواج نماید، البته این امر خود منوط به احراز شرایط و در دادگاه مدنی خاص صورت می‌گیرد که از یک سو، مستلزم مراجعه به دادگاه می‌باشد که مدت مدیدی اتلاف وقت را در پی دارد و از سوی دیگر، از نظر عرفی مورد پسند نیست.

در موضوع بحث، مسئله ارث بردن کودکان حاصل از اهدای جنین، حکم صریحی در قانون نحوه اهدای جنین و آیین‌نامه اجرایی آن پیش‌بینی نشده است. به ویژه همان گونه که در جدول شماره ۱ اشاره شده در مواردی حکم به نامشخص بودن پدر این کودکان داده شده است. معلوم نیست این گونه کودکان از چه کسانی ارث می‌برند. از انصاف و عدالت به دور است چنین فرزندان از ماترک زوجین دریافت‌کننده جنین، ارث نبرند و اموال این گونه زوجین به اقارب طبقه دوم و سوم تعلق گیرد (۳۴) در حالی که ممکن است این کودک به آن محتاج‌تر باشد. ضمن اینکه محروم ماندن کودک از میراث خانواده پذیرنده، آینده وی را به مخاطره می‌اندازد.

همچنین اگر زن و شوهر اهدا گیرنده پس از دریافت جنین اهدایی بعد از مدتی بین آن‌ها طلاق رخ داد، چنانچه بنا بر نظر فقها، زوج اهدا گیرنده را به عنوان پدر طفل شناسیم، نفقه طفل مزبور بر عهده کیست؟. از آن جا که بر اساس ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی، نفقه اولاد بر عهده پدر است، پس از فوت پدر یا عدم قدرت او بر انفاق، بر عهده اجداد پدری است و

ملاحظه می‌شود برخی فقهای معظم در باب تزریق تخمک بیگانه در رحم زوجه و سپس مقاربت زوج با زوجه، به اجماع صاحب تخمک را مادر طفل می‌دانند با این حال تعبیری از قبیل «صاحب رحم در حکم مادر اوست» و نیز «صاحب رحم در حکم مادر رضاعی او خواهد بود» و همچنین «نسبت طفل با زن صاحب رحم نسبت فرزند عرفی می‌شود» و حتی از نظر به دو مادری بودن کودک (موسوی اردبیلی) می‌توان استنباط نمود که برخی از فقهای معاصر به طور ضمنی مادر حکمی را پذیرفته‌اند. به نظر می‌رسد از آن جا که بین پدر و مادر ملازمه وجود دارد وقتی که حکم به وجود مادر حکمی طفل می‌شود می‌توان وجود پدر حکمی را نیز برای طفل متصور شد و در صورت پذیرش آن‌ها به عنوان والدین اعتباری، انتظار انجام تکالیف محوله‌ای که مقنن بر ذمه آن‌ها نهاده است پذیرفتنی خواهد بود. در ضمن، در جایی که از نطفه ناشناخته اجنبی در بانک اسپرم برای بارور کردن همسر مرد استفاده می‌شود، برخی از فقها حکم به حرمت عمل فوق نموده (علوی گرگانی و دفتر فاضل لنکرانی) و برخی نیز روش مذکور را جایز نمی‌دانند (نوری همدانی)، لکن در صورت تحقق، وجه اشتراک فتوای فوق، مجهول و ناشناخته دانستن پدر طفل حاصل از روش مذکور می‌باشد. این نظر آثار روانی و نامطلوبی را برای کودک در پی دارد چرا که پذیرش این امر برای کودک به ویژه در سن بزرگسالی لطمات جبران ناپذیری را به همراه خواهد داشت و وی را دچار آشفتگی‌های روحی خواهد کرد. بنابراین پیشنهاد می‌شود هنگامی که اهدا گیرندگان برای دریافت جنین به دادگاه مراجعه می‌نمایند از باب احتیاط عقلی حکم به پذیرش آن‌ها به عنوان والدین حکمی طفل نیز داده شود تا از بروز خطرات احتمالی ممانعت به عمل آید. در این صورت در آینده اهدا گیرندگان بر مبنای مصالح و مفاسد خود عمل نخواهند کرد، بدین بیان که هر جا منافع آن‌ها اقتضا نمود طفل حاصل جنین اهدایی را بپذیرند و هر جا متضرر شدند از پذیرش آن خودداری ورزند.

در صورت نبودن پدر یا جد پدری یا عدم قدرت آن‌ها، نفقه بر عهده مادر است. در این ماده، قانونگذار در درجه نخست، پدر و با ترتیباتی مادر را مسؤول پرداخت نفقه اولاد قلمداد کرده است. در جایی که بر طبق جدول شماره ۱، وی ناشناخته پدر باشد یا در جایی که نظر به دو مادری داشتن وی شده است، چه کسی ملزم به انفاق خواهد بود.

به نظر نگارندگان پسندیده آن است در این موارد برای تأمین سلامت روانی کودک و مصلحت جامعه، پذیرش نسب حکمی (اعتباری) (۳۵) را ارجح قرار داد و بدین طریق، احکام وضعی بر آن بار شده و از بروز آثار زیان‌بار آن ممانعت به عمل آورد و اهدا گیرندگان را به عنوان والدین حکمی پذیرفت. نسب حکمی یا اعتباری بر امور اعتباری بنا می‌شود و نه به مثابه یک رابطه حقیقی و بیرونی، بلکه به دلیل وضع و قرارداد یا اعتبار میان آدمیان تعیین می‌شود (۳۵). در ضمن، این نظر از مبنای فقهی نیز برخوردار است؛ خداوند در قرآن و آیه ۲۳۳ سوره بقره می‌فرماید: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ... لَا تَضَارُّ وَالِدَةً وَبَوْلُهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلُهُ...». حکم آیه در مورد والده (مادر)، ولد (فرزند) و والد (پدر) تشریح شده است. «اولادهن» اولاد را به مادران و «بولدها» فرزند را به پدر نسبت داده است. «مولود له» آن کس که فرزند برای او متولد شده است (۳۶) نه آن کس که فرزند از نطفه اوست. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در تفسیر آیه می‌فرماید نظام تکوین، فرزند را ملحق به پدر و مادر و هر دو می‌کند، برای اینکه هستی فرزند مستند به هر دوی آن‌ها است و اما اعتبار اجتماعی البته در این‌باره مختلف است. بعضی از امت‌ها، فرزند را ملحق به مادر می‌دانند و بعضی به پدر، و آیه شریفه نظریه دوم را معتبر شمرده و با تعبیر از پدر به «مولود له» به این اعتبار اشاره کرده است (۳۶). به بیان دیگر، ایشان نیز قائل به نسب اعتباری یا حکمی بوده است. ضمن اینکه واژه‌های به کار رفته در فتاوی برخی از فقها نیز این امر را به نحوی از انحاء در خود مستتر دارد. همان‌طور که در جدول شماره ۱

نتیجه‌گیری

تبیین دیدگاه فقهای عظام معاصر بر مبنای استفتائات اخذ شده آن‌ها و نیز دیدگاه مقنن در قانون اهدای جنین از عدم تناسب این دو حکایت دارد، زیرا فقها همچنان بر نظر فقه سنتی ابرام دارند و صاحبان نطفه و تخمک را والدین طفل می‌دانند که این امر با دستوراتی که در متون قانونی برای زوجین اهدا گیرنده گنجانده شده است، همسو نمی‌باشد. به این بیان که فقها اهدا گیرندگان را به عنوان والدین طفل ناشی از اهدای جنین نمی‌شناسند، در حالی که از فحوای خطاب مقنن به ویژه در قانون اهدای جنین به زوجین نابارور با توجه به تکالیفی که بر دوش آن‌ها نهاده، پذیرش ضمنی اهدا گیرندگان به عنوان والدین طفل استنباط می‌شود. این امر طفل را دچار بحران هویت خواهد کرد و در مواردی او را از حقوق شهروندی محروم می‌سازد. برای جلوگیری از تشویش خاطر کودک متولد از روش اهداء احتیاط واجب است بر خلاف فتاوی‌ای علما، نظر مقنن را که مبنای عقلی نیز دارد چیره دانست. بدین منظور، پذیرش اهدا گیرندگان به عنوان والدین اعتباری و حکمی از باب حکم ثانویه راه‌گشا خواهد بود که این نظر با مبانی فقهی و عقلی تأیید می‌شود. عدم وجود قانونی جامع و شفاف در این زمینه موجب می‌شود هر کس بر اساس نظر مرجع تقلید خود عمل کند که خود مشکلات اجرایی، حقوقی و قضایی بی‌شماری را در پی خواهد داشت، در حالی که وحدت رویه در مسئله مهمی چون نسب و اینکه بالاخره آیا شوهر زن را می‌توان به عنوان پدر طفل دانست؟ ضرورتی انکار ناپذیر است. بدین منظور جهت جلوگیری از تشتت آراء و با مطمح نظر قرار دادن مصالح اطفال متولد از طرق فوق می‌توان نظر مقنن را تقویت نمود. همچنین پیشنهاد می‌شود ماده ۳ قانون اهدای جنین به زوجین نابارور به صورت زیر اصلاح شود: «وظایف و تکالیف زوجین اهدا گیرنده جنین و طفل متولد شده نظیر وظایف و تکالیف اولاد و پدر و مادر است». در این صورت از احصاء تکالیف

جلوگیری شده و تمام تکالیفی که از رابطه والدین و اولاد ناشی می‌شود را مشمول خواهد شد. به علاوه، پذیرش این امر از نظر عرفی نیز مقبول‌تر است. در غیر این صورت، مفاهیم حقوقی چون حضانت و ولایت و نسب در مورد این کودکان مخدوش خواهد شد، حداقل در احکام وضعی نظر قانونگذار به صواب نزدیک‌تر است. با عنایت به نکاتی که به آن اشاره شد، پسندیده آن است که نظر مقنن را که مصلحت طفل، خانواده و جامعه را لحاظ نموده حمایت کرد و با تدوین قوانین دقیق، این فعالیت‌ها را در کشور نظام‌مند ساخت. ضمن اینکه حمایت مقنن به زوجین نابارور طیب خاطر خواهد داد تا از هرگونه تلاشی جهت تحکیم بنیان خانواده و ارائه خدمات بهتر به طفل متولد از طریق اهداء دریغ نوزند.

تشکر و قدردانی

این مقاله منتج از پایان‌نامه دکترای تخصصی فقه و حقوق اسلامی بوده است. بدین وسیله نویسندگان از حمایت‌های بی‌دریغ معاون محترم پژوهشی دانشگاه ارومیه جناب آقای دکتر مقصود سلیمان‌پور سپاسگزاری می‌نمایند.

منابع

- 1- Mohaghegh Damad M. [Feghe Pezeshki] Tehran: [Entesharat Hoghoghi]; 1389, p. 243-244. [in Persian]
- 2- Sadler TW. Langman's Medical Embryology, 12th ed. Philadelphia: Wolters Kluwer Health/Lippincott Williams & Wilkins; 2012, p. 10.
- 3- Speroff L, Fritz MA. Clinical gynecologic endocrinology and infertility, 8th ed. Philadelphia: Wolters Kluwer Health/Lippincott Williams & Wilkins; 2011, p.1137
- 4- Ghasemzadeh SM. Fundamental conditions of validity of the contracts for treatment of infertility applying gamete and embryo. Payesh 2007; 6(4): 419-437. [in Persian]
- 5- English V, Romano-Critchley G, Sheather J, Sommerville A. Medical ethics today: The BMA's Handbook of ethics and law, 2nd ed. London: BMJ Publishing Group; 2004, p. 269-306.
- 6- Berek JS. Berek & Novak's gynecology, 14th ed. Philadelphia : Lippincott Williams & Wilkins; 2007,p.1185.
- 7- Nayebzadeh A. [Baresiye hoghoghe Raveshhaye novine barvare masnoei: madare janeshin - ehdae tokhmak / janin, motalea tatbighiye hoghoghe Iran va sistemhaye hoghoghe khareji]. Tehran: [Entesharat Majd] ; 1380, p.9 [in Persian]
- 8- Fazel Lankarani MJ. [Baresiye feghiye talghihe masnoei]. Qom: [Markaze Feghi Aeimh Athar]; 1389, p.12. [in Persian]
- 9- Sachedina A. Islamic Biomedical Ethics: Principles and Application. New York: Oxford University Press; 2009, p. 117-8, 426-47.
- 10- Alavi MT, Azizi M. [Baresiye hoghoghe ghiremaliiye kodake azmayeshgahhi]. Fegh va hoghoghe eslami 1391; 3 (5): 159-193. [in Persian]
- 11- Mumeni A, Moosawinasab SJ. [Talghihe masnoei va vaziyate nasabe moulode hasel az nzar taamolate andishmandane fegh va hoghoghe]. Majale Marefat 1391; 21 (182): 111-126. [in Persian]
- 12- Naseri H. [Vakavi ahkame feghi nasab dar kodake motavaleed az rahem janeshin, Raheme Jaygozin]. Tehran: Samt; 1387, p. 158. [in Persian]
- 13- Ibn Manzur M. [Lisan al-Arab]. Beirut: Dar Sadir; 1994, Vol. 1, p. 755. [in Arabic]
- 14- Fiomi A. [Misbah al-Monir fi Gharib al-Sharh al-Kabir Lelrafee]. Qom: Dar al-Hijrah Publication; 1994, Vol. 2, p. 602. [in Arabic]
- 15- Lesani P. [Farhange farance farsi Larousse]. Isfahan: Entesharat Shoonaz; 2010, p. 287. [in French and Persian]
- 16- Katouzian N. [Hoghoghe mdani, khanevadeh, oulad, ravabete pedar va madar ba farzandan], 6th ed. Tehran: Entesharat Sahami; 2004, Vol. 2. [in Persian]
- 17- Borhani N, Farifteh F, Abbasi M. The Principle of anonymity (confidentiality) in embryo and gamete donation; 3rd millennium dilemma. Medical Ethics Journal 2009; 3(8): 175-188. [in Persian]
- 18- Emami H. [Hoghoghe madani], 7th ed. Tehran: [Entesharat Eslamieh]; 1390, Vol 5, p.161.197. [in Persian]
- 19- Najafi M H. [Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharaee al-Islam]. Beirut: Dar Ahya al-Trath al-Arabi; 1984, Vol. 31. [in Arabic]
- 20- Safaee H, Emami A. [Mokhatasar hoghoghe khanevadeh]. Tehran: [Nashre Mizan]; 1390, p. 373. [in Persian]
- 21- Jafari Langrudi MJ. [Terminology hoghogh]. Tehran: [Ganje Danesh]; 2011, p.216.[in Persian]
- 22- Shahid Thani Z. [Masalik al-Afhaam]. Chapesnge; Bitarikh, Vol. 1, p. 581. [in Arabic]
- 23- Shahid Thani Z. [Al-Rozaw al-Bahiat Fi Sharh al-Lame'eh al-Dameshghieh]. Chapesange; Bitarikh, Vol. 2, p. 12. [in Arabic]
- 24- Mansour J. [Ghanoone madani], 14th ed. Tehran: [Entesharat Didar]; 1382, p.197.[in Persian]
- 25- Karimi A, Chalabi A. [Moarefi va baste nazaryeyeh tahlile hohfled az hagh va karborde an dar zamine hoghoghe kodak]. Faslnameye hoghogh, majalye daneshkadeyeh hoghogh va olome siyasi 1387; 38(3): 211-231. [in Persian]
- 26- Plomer A, Zali A, Abbasi M. [Hoghogh va akhlagh dar pazhoheshaye pezeshki]. Tehran: [Entesharat Hoghoghi]; 1387, p. 316. [in Persian]
- 27- Safaee, H. [Tolid mesl masnoei ba komake pezeshki va enteghale janin dar hoghoghe Faranse

- va Iran]. *Majaleye daneshkadeyeh hoghogh va olome siyasi* 1383; 64(0): 59-92. [in Persian]
- 28- Anonymous. [Ghanoone nahveye ehdaye janin be zojeyne nabarvar]. <http://rc.majlis.ir/fa/law/%20show/93943> (accessed on 2017). [in Persian]
- 29- Safiri A, Taherkhani F. [Nasabe madariye kodake tavalod yafteh az ehdaye janin dar hoghoghe Iran]. *Majalae hoghoghe dadgostari* 1388; 73(68): 137-157. [in Persian]
- 30- Eshaghi M. [Mojazate pedar va madar dar jorme koshtane farzand, maddeh 220 ghanoone mojazate eslami]. Tehran: [Nasher Safire Sobh]; 1380, p. 73. [in Persian]
- 31- Mansour J. [Ghanoone mojazate eslami]. Tehran: Didar Publications; 1392, p. 124.[in Persian]
- 32- Golduzian I. [Bayestehaye hoghoghe Jazaye omomi 1-2-3]. Tehran: [Nashre mizan]; 1383, p. 77. [in Persian]
- 33- Hashemi R, Okazi A. Evaluation of attitudes and information of embryo recipient couples about medico-legal aspects of embryo donation in Iran. *Scientific Journal of Forensic Medicine* 2007; 13(2): 102-7. [in Persian]
- 34- Emami A. [Motaleae tatbighye nasab va taghire jensiyat dar hoghoghe Iran va Faranse]. Tehran: [Nashre Mizan]; 1392, p. 405. [in Persian]
- 35- Rasekh M, Ameri F, Behjati Ardekani Z. Transformation of the concept of filiation in the light of assisted reproductive technology. *Iran J Med Hist Ethics* 2016; 9 (2) :54-66 [in Persian]
- 36- Mousavi Hamedani MB. [Tarjomaye tafsire al- Mizan]. Qom: [Entesharat Eslamieh]; 1374, Vol. 2, p. 360- 361. [in Persian]

Inconsistency between law and contemporary Islamic scholars' opinion about the identity and rights of the laboratory child

Fateme Faramarzi Razini¹, Seyyed Mahdi Salehi², Seyyed Mahdi Ghoreishi²,
Amir Hamzeh Salarzaee³, Nazafarin Ghasemzadeh^{*4}

¹ PhD student of Islamic Jurisprudence, Faculty of Literature and Humanities, Jurisprudence and Islamic Law Department, Urmia University, Urmia, Iran.

² Assistant Professor, Faculty of Literature and Humanities, Jurisprudence and Islamic Law Department, Urmia University, Urmia, Iran.

³ Associate Professor of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

⁴ PhD Candidates in Medical Ethics, Medical Ethics and History of Medicine Research Center, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Abstract

Reproduction and fertility are considered a substantial need for the survival of the human race and has seen its ups and downs. Advances in Assisted Reproductive Technology (ARTs) have brought some changes as well as challenge in human reproduction. For instance, involvement of a third-party in pregnancy has become a challenging practice. Given the rapid application of ARTs in Iran, obscure aspects and consequences associated with this technology need to be elaborated. The present study aimed at investigating the identity and rights of children resulting from ARTs based on the existing laws and the opinions of the contemporary *Shi'ite* Grand Ayatollahs. First, by reviewing the sources of Islamic law as well as searching the legal and reliable electronic resources -using key terms such as parentage, guardianship, embryo donation and infertility- the existing laws and regulations about ARTs have been analyzed. Then, by a qualitative method, written opinions of some contemporary *Shi'ite* Grand Ayatollahs regarding the identity and the rights of a child born by involvement of a third party were collected. The result shows inconsistency between the opinion of the contemporary Islamic jurists and the existing law about embryo donation. Islamic Jurists believe that the child of embryo donation does not belong to the recipient couple. However, according to the Embryo Donation Act, in particular with regard to the duties placed upon infertile couples, who receive the donated embryo, implicitly accept the recipient couple as the parents of the child. This eventually leaves the child with an identity crisis besides deprivation of citizenship rights in some cases. Accordingly, as the current rules and legislations of Iran conflicts with views of the Islamic jurists, to resolve this problem, a revision to accept the recipients as legal parents of the child is necessary.

Keywords: In Vitro Fertilization, ARTs, Embryo donation, Legal parents

¹ * *Corresponding Author:* Email: nghasemzadeh@razi.tums.ac.ir